

متن دوزبانه‌ی قانون مدنی ایران

ترجمه‌ی انگلیسی به قلم: پروفسور سیدحسن امین

قاضی اسبق دادگستری ایران، استاد بازنشسته‌ی کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیفرنیا

وکیل دادگاه‌های عالی اسکاتلند

[تلف موضوع انتفاع]

ماده‌ی ۵۰- اگر مالی که موضوع حق انتفاع است، بدون تعدی یا تفریط منتفع، تلف شود، مشارالیه مسوول آن نخواهد بود.

[شرایط مالک]

ماده‌ی ۵۷- واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند و به‌علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات معتبر است.

[زوال حق انتفاع]

ماده‌ی ۵۱- حق انتفاع در موارد ذیل زایل می‌شود:

۱- در صورت انقضای مدت؛

۲- در صورت تلف شدن مالی که موضوع انتفاع است. (ر.ک. ماده‌ی

۴۵ق.م.)

[لزوم بقاء عین]

ماده‌ی ۵۸- فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد، اعم از این که منقول باشد یا غیرمنقول، مشاع باشد یا مفروز. (ر.ک. ماده‌ی ۴۶ق.م.)

[مسئولیت منتفع]

ماده‌ی ۵۲- در موارد ذیل منتفع ضامن تضررات مالک است:

۱- در صورتی که منتفع از مال موضوع انتفاع سوءاستفاده کند.

۲- در صورتی که شرایط مقرر از طرف مالک را رعایت ننماید و این

عدم رعایت موجب خسارتی بر موضوع حق انتفاع باشد.

[اثر قبض]

ماده‌ی ۵۹- اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد، وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا می‌کند. (ر.ک. ماده‌ی ۴۷ق.م.)

[انتقال موضوع]

ماده‌ی ۵۳- انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق

انتفاع نمی‌شود، ولی اگر منتقل‌الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به

دیگری است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.

[عدم فوریت قبض]

ماده‌ی ۶۰- در قبض فوریت شرط نیست، بلکه مادامی که واقف رجوع از وقف نکرده است، هر وقت قبض بدهد وقف تمام می‌شود.

[لزوم وقف و آثار فک ملک]

ماده‌ی ۶۱- وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است و واقف نمی‌تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف‌علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف‌علیهم نماید یا با آن‌ها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده، بعد از آن متولی قرار دهد یا خود به‌عنوان تولیت دخالت کند.

[حکومت عرف بر انتفاع]

ماده‌ی ۵۴- سایر کیفیات انتفاع از مال دیگری به نحوی خواهد بود که مالک قرارداده یا عرف و عادت اقتضاء بنماید.

مبحث اول: در وقف

[تعریف]

ماده‌ی ۵۵- وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.

[ایجاب و قبول]

ماده‌ی ۵۶- وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند، و قبول طبقه‌ی اول از موقوف‌علیهم یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها در صورتی که محصور باشند: مثل وقف بر اولاد؛ و اگر موقوف‌علیهم غیرمحصور یا وقف بر مصالح عامه باشد، در این صورت قبول حاکم شرط است.

[قبض‌کننده (قبض)]

ماده‌ی ۶۲- در صورتی که موقوف‌علیهم محصور باشند خود آن‌ها قبض می‌کنند و قبض طبقه‌ی اولی کافی است و اگر موقوف‌علیهم غیرمحصور یا وقف بر مصالح عامه باشد متولی وقف و الا حاکم قبض می‌کند.

ماده‌ی ۶۳- ولی و وصی محجورین از جانب آن‌ها موقوفه را قبض می‌کنند و اگر خود واقف تولیت را برای خود قرار داده باشد، قبض خود او کفایت می‌کند. (ر.ک. مواد ۷۹۹ و ۸۰۰ق.م. در هبه)